

بررسی ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان در بحرین دنبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا

عزت‌الله عزتی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

دلشاد خضری^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

علی رحیمی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۳/۰۲

چکیده

ژئوپلیتیک مقاومت زبان حال طبقات تحت سلطه را منعکس می‌نماید که مملو از مبارزات ضد سلطه‌گری و مقاومت در برابر نیروی جبار دولت‌ها در سیاست‌های داخلی و خارجی آنها می‌باشد. ژئوپلیتیک مقاومت یا به تعبیر پاول روتلج ضد ژئوپلیتیک یا ژئوپلیتیک از پایین، به نیروی فرهنگی، سیاسی و اخلاقی در درون یک جامعه مدنی که عقیده‌ی یکسان‌نگری منافع مورد نظر طبقه‌ی سیاسی مسلط دولتی با منافع عموم مردم را به چالش می‌کشد، گفته می‌شود. که در مورد اعتراضات شیعیان بحرین در مقابل طبقه‌ی سیاسی حاکم، در طول تاریخ از ظهور امپراطوری اسلامی تا تحولات اخیر را در بر می‌گیرد نیز صدق می‌کند. کشور بحرین کوچکترین کشور مستقر در خلیج فارس می‌باشد که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. مدت‌هاست تنش‌های نهفته در میان توده مردمی که اکثریت، شیعه می‌باشند با طبقه حاکم سنی وجود دارد. به دنبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا اعتراضات ضد حکومتی در اوایل سال ۲۰۱۱ گریبانگیر بحرین نیز شد که منجر به برخوردهای خشونت آمیز میان معترضان و نیروهای دولتی شده است و همچنان این اعتراضات در حال گسترش می‌باشد. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال می‌باشد که، ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان بحرین در ادوار مختلف تاریخی خصوصاً در تحولات اخیر چه خواست و اهدافی را دنبال می‌کند. که با بهره‌گیری از مفاهیم ژئوپلیتیک مقاومت و استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: بحرین، ژئوپلیتیک مقاومت، ژئوپلیتیک شیعه، جنبش‌های مردمی، قدرت‌های منطقه‌ای

۱- مقدمه

تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی تا کنون بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به ارائه دیدگاه و کنش وادار کرده است؛ به طوری که هرکدام در پی تحقق اهداف خود و متحدانشان برای ترسیم نظم جدید منطقه‌ای با راهبردهای مختلف و گاه خصمانه می‌باشند. در این بین کشور جزیره‌ای بحرین با نقش ویژه ژئواستراتژیک خود در منطقه خلیج فارس همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. از سوی دیگر اکثریت جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند که تحت حاکمیت اقلیت سنی مذهب می‌باشند؛ این امر باعث شده تا شیعیان بدنبال نقش پر رنگ تری در اداره کشور باشند، بگونه‌ای که تحولات ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر تغییر نقش و جایگاه شیعیان، تاثیر بسیاری بر جای گذاشته است و باعث افزایش مقاومت شیعیان در برابر نظام‌های سیاسی و کاهش انزوای اجتماعی آنان شده است؛ همچنین زمینه اجتماعی برای حداکثر سازی تحرکات و بازآفرینی کنش سیاسی توسط شیعیان را بوجود آورده است. از این رو هرگونه تغییر در ساختار سیاسی کشور بحرین توسط شیعیان، توازن قوای منطقه را بر هم می‌زند؛ لذا در طول تاریخ سرکوب شیعیان زیر سلطه برای ثبات سیاسی و حفظ شرایط موجود کشور بحرین، توسط حکام بکار گرفته شده و همچنان ادامه دارد.

ژئوپلیتیک سنتی بر پایه‌ی مواضع قدرت و مزیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولتها و طبقه‌ی مسلط جوامع و نقش مؤثر سیاستمداران بنا شده است و به قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرماندهی رسمی و کنترل مؤثر حکومتها و سیاستمداران اصالت می‌بخشد. در حالی که می‌توان تاریخ را از دید کسانی که درگیر مقاومت در برابر دولتها و رفتار ژئوپلیتیکی آنها بوده‌اند نیز تبیین نمود که از آن به ژئوپلیتیک مقاومت تعبیر می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۷۳). لذا تحولات بحرین در ادوار مختلف، خصوصاً تحولات سال ۲۰۱۱ گویای شکل‌گیری مفهوم ژئوپلیتیک مقاومت می‌باشد که از سوی اکثریت مردم شیعه در مقابل اقلیت حاکم این کشور شکل گرفته است. بر همین اساس برای درک صحیح از وقایع، بحران‌ها و تحولات ژئوپلیتیکی به دلیل ریشه‌دار بودن و پویایی این گونه تحولات لازم است با نگرشی تاریخی شکل‌گیری تحولات را تبیین نمود تا به تحلیل و نتایج جامع‌تر دست یافت.

با در نظر گرفتن این مباحث ما در این پژوهش درصدد هستیم تا به این سوالات پاسخ دهیم که چه عواملی باعث شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان و اعتراضات مردمی در بحرین شده است؟ و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن برای منطقه کدامند؟ و در نهایت ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان بحرین در ادوار مختلف تاریخی خصوصاً بدنبال تحولات شکل‌گرفته در خاورمیانه و شمال آفریقا در پی رسیدن به چه خواست و اهدافی می‌باشد؟

برای پاسخ گویی به این پرسش‌ها در این مقاله ابتدا مفاهیم نظری تحقیق را مطرح کرده و سپس با تشریح کشور بحرین، ژئوپلیتیک مقاومت مردم بحرین را در پنج مقطع زمانی با تاکید بر تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا مورد بررسی قرار داده و در پایان به تجزیه و تحلیل تحولات اخیر بحرین پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- ژئوپلیتیک شیعه

در گذشته، مذهب یکی از عوامل مؤثر در تفکیک مرزهای جغرافیایی بود. در قرن بیستم نیز کم و بیش نقش آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم گیری‌های سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر هم، ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب و همچنین زبان است. به گونه‌ای که می‌توان گفت که در دو دهه گذشته مذهب به عرصه ژئوپلیتیک باز گشته است (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۰۸). اهمیت و نفوذ فزاینده اندیشه‌ها و نهادهای مذهبی آشکارا در سراسر جهان دیده می‌شود (شیرودی، ۱۳۸۸: ۲). در حقیقت مذهب در کنار زبان، یکی از قوی‌ترین نیروهای مؤثر در کشورهای مستقل کنونی محسوب می‌شود. بطوریکه عامل مذهب هنوز وجود و بقای بسیاری از کشورها است (جردن و روانتری، ۱۳۸۰: ۱۷۱).

ژئوپلیتیک ابعاد متعددی دارد، به ویژه ابعاد این مفهوم از دید سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت دارد. بُعد فرهنگی ژئوپلیتیک یا ژئوکالچر که خود جنبه‌های متعددی از جمله مذهب را شامل می‌شود، با توجه به نقش مهمی که در سیاست و زندگی مردم ایفا می‌کند، به عنوان یکی از مباحث مهم ژئوپلیتیک مطرح می‌باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۰). ژئوپلیتیک شیعه با رخ دادن انقلاب اسلامی ایران، نیروی نهفته در دل مذهب تشیع، بیشتر از راه گسترش حوزه نفوذ ایران به عنوان مهم‌ترین کشور شیعه مذهب، شکوفا شده و سبب شد تا این مذهب ماهیتی ژئوپلیتیکی پیدا کند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۸). بنابراین می‌توان گفت که ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه با «هارتلند» ایران است (جمالی، ۱۳۸۶: ۱۲).

۲-۲- ژئوپلیتیک مقاومت

هزاران داستان را می‌توان برشمرد که تاریخ را از دیدگاه کسانی که درگیر مقاومت در برابر دولت‌ها و کردارهای ژئوپلیتیکی بوده‌اند روایت می‌کند. این داستان‌ها خاطرات مقاومت مردم را زنده نگه می‌دارند و در عین حال تعاریف جدید از قدرت ارائه می‌دهند که منتسب به قدرت نظامی، ثروت، فرماندهی رسمی و کنترل فرهنگی نیستند. این داستان‌های مقاومت را می‌توان به عنوان ژئوپلیتیک از پایین که از مادون (یعنی تحت سلطه) تبعیت می‌کند، توصیف کرد. در نتیجه موقعیت‌هایی که از درون جامعه‌ها، سلطه‌ی ارتش، سیاست، فرهنگ دولت و طبقات مسلط آن را به چالش می‌کشد به تعبیر پاول روتلج^۱ ژئوپلیتیک از پایین نامیده می‌شود (روتلج و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵۷).

ضدژئوپلیتیک یا ژئوپلیتیک مقاومت در اشکال مختلف، از گفتمانهای متضاد روشنفکران ناراضی گرفته تا استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنبش‌های اجتماعی را شامل می‌شود. بطور کلی ضد ژئوپلیتیک گروه‌های چریکی چپ‌گرا، نهضت‌های اجتماعی، سازمان‌های غیر دولتی، گروه‌های حقوق بشری، سازمان‌های زیست محیطی و جنبش‌های مردم بومی را در بر می‌گیرد که گاهی به صورت شبکه‌های ملی و بین‌المللی در برابر موافقتنامه‌ها و مؤسسات فراملی و گفتمان سیاسی مربوط به اقتصاد جهانی مقاومت نموده و نوعی جهانی‌سازی از پایین که متضمن شبکه‌ای بین

^۱. Paul Routledge

المللی از گروه‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی است را در قالب ژئوپلیتیک مقاومت یا ژئوپلیتیک از پایین شکل می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۳).

۲-۳- مقاومت در برابر قدرت از دیدگاه میشل فوکو

تعریف فوکو از مقاومت و قدرت را می‌توان متأثر از نیچه دانست، بطوری‌که نیچه معتقد است اراده قدرت می‌تواند خود را تنها در برابر مقاومت‌ها جلوه‌گر سازد، بنابراین در جستجوی آن چیزی است که در برابرش ایستادگی کند (نیچه، ۱۳۷۷: ۵۰۴). فوکو از قدرت به عنوان چیزی که در گردش است سخن می‌گوید و معتقد است که مقاومت نمی‌تواند مستقل از قدرت باشد. ویژگی روابط قدرت این است که متکی به کثرت نقاط مقاومت می‌باشد، این نقاط نقش دشمن، هدف، حمایت یا دستیابی به مناسبات قدرت را بازی می‌کنند. این نقاط مقاومت می‌توانند هر جایی در شبکه قدرت باشند. چیزی که فوکو به ارمغان آورد مفهومی مدرن از مقاومت در سطح سیاست خرد است که بر علیه قدرت متمرکز شده به کار می‌رود (حسین زاده راد، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۲۱). بست و کلنر معتقدند سیاست‌های پسامدرن فوکو در تلاش است تا راهبردهای تمامیت خواه را نابود کند و اشکال متنوع مقاومت را به وجود آورد، از قبیل نابودی زندان‌های هویتی، گفتمان‌های محرومیت‌ساز و تشویق افزایش تفاوت‌ها در تمامی انواع آن (Allmendinger, 2001: 40). فوکو تلاش می‌کند دیدگاه‌های مطلق‌گرا که نظام‌ها را به دو دسته رهایی‌بخش و ستم‌کار تقسیم می‌کنند را کنار بگذارد، در نتیجه همیشه راه را برای مقاومت باز می‌گذارد و می‌گوید «فکر نکنم بشود گفت که چیزی به نام نظام رهایی‌بخش و دیگری به نام نظام ستم وجود دارد. جدا از مسأله شکنجه و اعدام که بر سر راه هرگونه مقاومتی مانع ایجاد می‌کنند، هر چقدر هم یک نظام وحشت‌انگیز باشد، همیشه امکاناتی برای مقاومت، نافرمانی و دسته‌بندی‌های متضاد باقی خواهد ماند» (فوکو، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

۳- روش تحقیق

روش انجام این پژوهش با توجه به ماهیت آن توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب (کتاب، مجلات تخصصی، مقالات و...) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی (اینترنت) جمع‌آوری شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- بحرین

کشور بحرین با وسعت ۶۷۸ کیلومتر مربع (کوشکی و ناظم پور، ۱۳۸۹: ۱۶۱) کم وسعت‌ترین کشور حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس است، که به صورت جزیره‌ای در سواحل جنوبی خلیج فارس و در نزدیکی ساحل کشور عربستان واقع شده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۳۹). بحرین از سمت شرق تنها هشت کیلومتر با همسایه خاوری خود، قطر، فاصله دارد. از سمت غرب با عربستان سعودی هم مرز است و در فاصله ۲۴ کیلومتری کرانه شرقی آن کشور واقع شده است و در شمال نیز با فاصله نسبتاً زیادی ایران را در همسایگی خود دارد (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۳) (نقشه-۱).

جمعیت کشور بحرین متشکل از دو گروه اجتماعی ناهمگن بحرینی تبار (بومی) و غیر بحرینی (غیر بومی مهاجر) می‌باشد که هر کدام دارای ویژگی‌های خاص اجتماعی و اقتصادی می‌باشد که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند. جمعیت کشور بحرین مطابق با آخرین سرشماری عمومی در ۲۷ آوریل سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۵۷۱،۲۳۴،۱ نفر بوده است. که از این تعداد ۵۶۸،۳۹۹ بحرینی (بومی) معادل ۶۶ درصد کل جمعیت و ۶۶۶،۱۷۲ نفر غیر بحرینی (غیر بومی) معادل ۵۴ درصد کل جمعیت بحرین را تشکیل می‌دهند. (Central Informatics Organization-Kingdom of Bahrain, 2010)

افراد غیر بومی بحرین شامل قومیت‌های اقیانوسیه (۱،۲۹۵ نفر)، آمریکای جنوبی (۴۷۴ نفر)، آمریکای شمالی (۴،۱۴۹ نفر)، اروپایی (۱۱/۷۶۳ نفر)، آفریقایی (۱۹/۵۴۸ نفر)، آسیایی (۵۶۲،۰۴۰ نفر)، اعراب شورای همکاری خلیج فارس (۸،۶۹۰ نفر) و دیگر اعراب (۵۸،۲۱۳ نفر) می‌باشد. از نظر ترکیب سنی، از کل جمعیت بحرینی تبار ۳۱/۸ درصد زیر ۱۵ سال، ۶۴ درصد بین ۱۵-۶۴ سال و ۴/۱ درصد نیز بالای ۶۵ سال سن دارند. همچنین از کل جمعیت غیر بحرینی‌های ساکن این کشور، ۱۰ درصد زیر ۱۵ سال، ۸۹/۶ درصد بین ۱۵-۶۴ سال و ۴/۴ درصد نیز بالای ۶۵ سال سن دارند. متوسط رشد سالیانه جمعیت بحرین در طول دوره سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ برابر ۷/۳۸ درصد، که برای بحرینی‌ها ۳/۸۲ درصد و غیر بحرینی‌های ۱۱/۷۷ درصد اعلام شده است. می‌توان رشد جمعیت را به رشد طبیعی جمعیت و ورود مهاجران برای کار در این کشور نسبت داد. از نظر توزیع جغرافیایی جمعیت ۵۳/۱۲ درصد جمعیت بحرین در پایتخت و استان مرکزی کشور متمرکز شده است. ترکیب جنسیتی جمعیت نیز برای بحرینی‌ها به ازای هر ۱۰۰ زن، ۱۰۲ مرد به و برای غیر بحرینی‌ها ساکن به ازای هر ۱۰۰ زن، ۲۶۰ مرد ساکن می‌باشد که گویای جذب کارگران مرد مهاجر برای کار در بحرین است. درصد غیر مسلمان در ترکیب جمعیتی کشور بحرین نسبت به کشورهای دیگر منطقه بیشتر است، به این صورت که از کل جمعیت این کشور ۸۸۸،۸۶۶ مسلمان و ۶۸۳،۳۶۷ غیر مسلمان می‌باشند. که بیشتر غیر مسلمانان را مهاجران و غیر بومی‌های این کشور تشکیل می‌دهد (Ibid).



نقشه-۱ جایگاه بحرین در منطقه‌ی خلیج فارس (منبع: www.infoplease.com:2012/1/22)

بحرین تنها کشور عربی منطقه خلیج فارس می‌باشد که اکثریت جمعیت عرب آن شیعه مذهب هستند. تعداد قابل توجهی از شیعیان بحرین که طی صدها سال در بحرین ساکن‌اند، در اصل از مناطق جنوبی ایران هستند که همچنان ارتباط خود را با ایران حفظ کرده‌اند. این وضعیتی است که حتی پیش از اسلام وجود داشته است. شیعیان با وجود اینکه اکثریت را در بحرین در اختیار دارند، در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشارکت داده نمی‌شوند و این یکی از چالش‌های مهم آنها با دولت حاکم بر بحرین می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۵۹).

۴-۲- ژئوپلیتیک مقاومت مردم بحرین

به عقیده برژینسکی تقریباً تمامی کشورهای با جمعیت غالب مسلمان به نوعی با مشکلات مذهبی مواجه می‌باشند (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۷۶). در بحرین نیز این مشکلات مذهبی در طول تاریخ زمینه‌ساز بروز ژئوپلیتیک مقاومت مردم زیر سلطه بوده است که آن را در پنج دوره زیر تبیین خواهیم نمود:

۴-۲-۱- ژئوپلیتیک مقاومت از آغاز تشکیل امپراطوری اسلامی

بحرین از آغاز تشکیل امپراطوری اسلامی و بویژه در عصر بنی امیه، از مرکزیتی در حرکت‌های سیاسی و برخوردهای عقیدتی در منطقه خلیج فارس برخوردار بوده است. در سال ۷۲ هجری گروهی از خوارج به رهبری ابوفدیک نامی قیام بزرگی علیه حکومت اموی برپا کردند و بحرین را از تابعیت خلفای اموی خارج ساختند فردی به نام مسعود بن ابی زینب عبدی در سال ۱۰۵ هجری با اخراج والی اموی، نزدیک بیست سال بر این جزایر حکومت مستقل داشت. در سال ۱۵۱ هجری والی بحرین بر ضد حکومت خلفا قیام کرد. حدود یکصد سال بعد، قیام بزرگ بردگان و سیاه‌پوستان منطقه به رهبری مردی ملقب به صاحب الزنج تمامی خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد. به دنبال آن، گروهی دیگر به رهبری فردی ایرانی موسوم به ابوسعید بهرام جنابی (یا گناوه‌ای) علیه حکومت خلفا قیام کردند و جنبش آزادیخواهی را در منطقه گسترده کردند. این جنبش که قیام ابو سعیدی یا قرمطی (ابوسعید از پیروانی حمدان قرمطی بود) نام گرفت، از سواحل ایران آغاز شد و ابوسعید با رفتن به بحرین، آنجا را کانون مناسبی برای تحرک یافت (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۴-۱۹۳).

همچنین بحرین در اوایل قرن دهم هجری با توجه به موقعیت ممتازی که در تجارت داشت مورد توجه حکام هرمز قرار گرفت. طی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری نیروی قبیله ای نو ظهور بنو جبور، که از قبایل مهاجر نجد به شمار می‌رفتند، با استفاده از کشمکش قدرت در هرمز توانستند در بحرین قدرت را به دست گیرند و همین امر موجب واکنش شیعیان این منطقه که اکثریت جمعیت آن را تشکیل می‌دادند، گردید که رقابتی پنهان بین روسای فال با تمایلات شیعی و روسای بنو جبور در گرفت. بحرین تا نیمه دوم قرن دهم هجری تحت رهبری روسای فال و به عنوان یکی از مراکز وابسته به ملوک هرمز به ایفای نقش می‌پرداخت (وثوقی و کالیراد، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۶۴).

۴-۲-۲- ژئوپلیتیک مقاومت در دوران استعمار انگلیس

در دوران استعمار انگلیس نیز، بحرین نخستین و در واقع برای مدتی تنها منطقه در جنوب خلیج فارس بود که مردم آن به مخالفت با استعمار پرداختند (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۴). بحرین برای بریتانیا از اهمیت سوق الجیشی فوق

العاده‌ای برخوردار بود و پل ارتباطی شبه جزیره حجاز و مناطق نفت خیز کرانه‌های آن به شمار می‌رفت و علاوه بر آن یکی از ایستگاه‌های مهم تدارکاتی نیروی دریایی بریتانیا محسوب می‌شد و می‌توانست به عنوان یک ایستگاه مهم خطوط هوایی انگلستان در خلیج فارس قرار گیرد (وثوقی، ۱۳۸۴: ۸). قدرت و نفوذ بریتانیا در سال ۱۹۲۳ با خلع شیخ عیسی از حکومت بحرین افزایش یافت و با ورود چالز بلگریو^۱ به عنوان رایزن انگلیسی حاکم جدید و چندی بعد با انتقال پایگاه دریای انگلیس از باسایدو به بحرین و انتقال مقیم سیاسی بریتانیا در خلیج فارس از بوشهر به بحرین، این قدرت نفوذ، ثبات و دامنه وسیع‌تری یافت. این تحولات و به ویژه آمدن بلگریو، بروز حرکت‌های تازه‌ای را در مردم موجب شد و به اعتصاب عمومی انجامید. اعتصابیون خواستار اداره آموزش و پرورش از سوی سازمان‌های محلی، تشکیل سازمان‌های صنفی، ایجاد دیوان داوری، تغییر نماینده سیاسی بریتانیا و اخراج گارگران و مهاجران خارجی شدند. این درخواست‌ها تا آن زمان در مستعمرات انگلیس سابقه نداشت. لذا با توسل به خشونت اعتصاب را در هم شکستند و رهبران جنبش دستگیر و تبعید شدند. پس از جنگ جهانی دوم، جنبش‌ها و برخوردهای سیاسی مجدداً آغاز شد و اجتماع کوچک بحرین رفته رفته التهاب خاصی یافت. در حالی که انگلیسی‌ها در فکر اقدامات کنترلی مؤثری بودند. در سال ۱۹۵۳ شیعیان بحرین که از افزایش سریع مجاهرت کارگران عرب و تغییر غیر طبیعی ساختار جمعیتی نگران و ناراضی بودند، سر به شورش برداشتند. گروه‌های شیعه و سنی بحرین با هم درگیر شدند و پس از چندی رهبران گروه‌ها با تشکیل کمیته وحدت ملی از نظر برخوردهای مذهبی ماجرا را پایان دادند (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴).

۴-۲-۳- ژئوپلیتیک مقاومت بعد از استقلال بحرین

در اواخر دهه شصت، ایران در قبال کسب امتیازاتی در مورد جزایر تنب و ابوموسی حاضر شد بر سر بحرین مصالحه کند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۴۵). که سرانجام موافقت کردند در این سرزمین به آرای عمومی مراجعه شود. البته شایان ذکر است که آرای عمومی به معنی فراندوم نبوده بلکه هیئت ملل متحد به نوعی نظرسنجی از گروه‌ها و طبقات مختلف مردم مبادرت ورزید. هیئت اعزامی سازمان ملل اعلام کرد که مردم بحرین خواهان استقلال هستند (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۶). بدین ترتیب استقلال سیاسی بحرین در سال ۱۹۷۱ به رسمیت شناخته شد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۴۵). نمایندگان مجلس ایران نیز رأی گروه تحقیق سازمان ملل را پذیرفتند و بحرین به طور رسمی از ایران جدا شد (بهرامی و خدادادی، ۱۳۸۹: ۳۱).

برژینسکی اعتقاد دارد؛ در شرایطی که ضعف کشورهای اسلامی موجب رنج‌های اجتماعی شود، خصومت مبهم مذهبی به احساسات ضد آمریکای می‌انجامد و نارضایتی‌های داخلی یا کشمکش‌های منطقه‌ای هم به این احساسات دامن خواهد زد (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۷۸). دولت جدید بحرین در سال ۱۹۷۲ با یک سلسله فعالیت‌های سیاسی روبه رو شد که هدف اصلی آنها اعتراض به حضور ایالات متحده در بحرین بود. نیروهای رزمی دریایی آمریکا از سالیان طولانی از تهسیل پایگاهی منطقه جفیر متعلق به انگلیسی‌ها استفاده می‌کردند. با خروج بریتانیا از منطقه و موجودیت

^۱ . Belgreave

دولت جدید بحرین، دولت آمریکا خود را نیازمند توافقی رسمی برای تثبیت و گسترش استفاده از امکانات موجود بحرین می‌دید. لذا در دسامبر ۱۹۷۱ قراردادی در این زمینه به امضای دولت جدید بحرین رساند. همین مسئله عامل گسترش تبلیغات علیه حضور نظامی آمریکا در منطقه از سوی ناراضیان و کمونیستها شد. حمایت آمریکا از اسرائیل در جنگ اکتبر ۱۹۷۳، موج جدیدی از اعتراضات علیه ادامه حضور آمریکا در منطقه به وجود آورد. در مجلس ملی و بعضی نشریات بحرین، واکنشهای شدیدی در این مورد بروز کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۷-۱۹۶).

۴-۲-۴- پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان بحرین

پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه خلیج فارس و ظهور ایران به عنوان یک کشور مستقل و معارض با ابرقدرتها تحولاتی را در منطقه ایجاد کرد؛ یکی از آثار انقلاب اسلامی، پخش اندیشه‌های اسلامی در منطقه و خلیج فارس بود که به دنبال آن موجب بیداری مسلمانان منطقه و جنبش‌های اسلامی خواهی (که با حکومت‌های حاکم بر کشورها در تعارض بود) شد (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۵۲). از آنجا که انقلاب اسلامی در کانون قلمرو شیعه نشین جهان رخ داد، به طور طبیعی اثر گذاری‌های فراوانی را در فضاهای پیرامونی از خود به جا گذاشت. این فرایند در سه محور: (۱) هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان؛ (۲) شکل‌گیری یا تقویت احزاب و تشکلهای سیاسی؛ (۳) نقش‌آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشورهایشان قابل مشاهده است (احمدی، ۱۳۸۹: ۶۶). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بحرین نیز مانند دیگر کشورهای منطقه از صدور انقلاب بیمناک شد (حافظ نیا و احمدی، ۱۳۸۸: ۸۷). این انقلاب در درجه اول باعث بالفعل شدن بسیاری از اعتراضات اجتماعی در منطقه گشت (ولی پور زرومی، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

در سال ۱۳۶۰ کودتای ناموفق برای سرنگونی نظام حاکم بر بحرین توسط شیعیان انجام شد (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۴). این اتفاق هم باعث افزایش فشار رژیم حاکم بر شیعیان و هم باعث تیره شدن روابط بحرین با ایران شد؛ اما نمود بارز تأثیرپذیری شیعیان بحرین از انقلاب اسلامی و سیاسی شدن آنها، تشکیل «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» بود. سابقه‌ی این جبهه به سال ۱۳۵۷ باز می‌گردد؛ هنگامی که گسترش فعالیت‌ها و تظاهرات شیعیان بحرین تحت تأثیر مبارزات مردم ایران، با تبعید هادی مدرسی به این کشور توسط رژیم پهلوی همزمان شد. مدرسی پس از ورود به بحرین توانست فعالیت‌های شیعیان را سازماندهی کند و «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» را تأسیس نماید. فعالیت‌های این جبهه به رهبری مدرسی باعث شد رژیم بحرین او را بلافاصله از کشور اخراج کند. ترس از فعالیت‌های ضد حکومتی جبهه اسلامی و سایر گروه‌های شیعی، همچنین موجب شد دو دولت عربستان و بحرین در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۱ پیمان امنیتی مشترکی منعقد کنند (امرابی، ۱۳۸۳: ۲۲۳). امروزه اکثریت شیعیان بحرین وضعیت اجتماعی و مذهبی بسیار آشفته‌ای دارند. برای مهار این آشفتگی دولت بحرین بر همسایه‌ی سعودی خود تکیه می‌کند (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۶۵). سعودی‌ها در تنش‌های مذهبی بحرین بیم از خیزش شیعیان در منطقه خلیج فارس را دارند (www.sedayeshia.com:1389/12/17).

۴-۲-۵- ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان بحرین بدنبال تحولات جهان عرب

تظاهرات ضد دولتی چندین کشور در خاورمیانه در اوایل سال ۲۰۱۱ گریبانگیر بحرین نیز شد، و منجر به برخوردهای خشونت آمیز میان معترضان و نیروهای دولتی و پلیس شده است. معترضان، با الهام از رویدادهای اخیر در مصر و تونس، تظاهرات خود را در ۱۴ فوریه آغاز کردند. مدت زمان طولانی است که تنش نهفته در میان توده مردمی که اکثریت شیعه می‌باشند با طبقه حاکم سنی وجود دارد. شیعیان معترض هستند که آنها را از موقعیت‌های بالا در ارتش و دولت باز می‌دارند. نیروهای نظامی دولت آل خلیفه در ۱۸ فوریه عقب نشینی کردند و برای چند روز آینده هزاران نفر از معترضان را در میدان لؤلؤ (مروارید) حضور یافتند. جمعیت معترضان در ۲۲ فوریه به اوج خود رسید، و بیش از یکصد هزار معترض در میدان جمع شده بودند. تظاهرات عظیم طرفداران دموکراسی به مدت سه هفته ادامه داشت، اما طولی نکشید که شادی و سرور معترضان به پایان رسید. در ۱۴ مارس، به درخواست بحرین، عربستان سعودی و امارات متحده عربی اعزام دوهزار سرباز برای کمک به شکستن اعتراضات راهی بحرین کردند. حضور نیروهای سنی همسایه در یک کشور با اکثریت شیعه، نزاع‌های فرقه‌ای را ملتهب‌تر کرد. دولت حاکم بحرین اعلام حکومت نظامی و اجرای تاکتیک‌های سرکوبگرانه علیه اپوزیسیون، از جمله استفاده از زور برای بیرون کردن معترضین از میدان مروارید، حکم جستجو، بازداشت‌های دسته جمعی و شکنجه در دستور کار خود قرار داد. اعلام حالت فوق‌العاده، شکاف فزاینده دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض آمیز خاندان آل خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. این شکاف ریشه‌ای تاریخی دارد و متغیرهای سیاسی-امنیتی داخلی و خارجی بر آن تأثیر می‌گذارند (www.infoplease.com: 2012/1/22). در بحرین نا آرامی‌ها الهام گرفته از موج تغییرات انقلابی فراگیر در سراسر منطقه می‌باشد (Hill & Nonnman, 2011:9).

۵- تجزیه و تحلیل

آنچه از یافته‌های تحقیق بدست می‌آید این است که تاریخ بحرین گویای مقاومت و جنبش‌های فراوان مردم بحرین در قرون متعدد از پیدایش امپراطوری اسلامی تا زمان حاضر (که تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا در حال شرف است) می‌باشد. اهمیت تحولات اخیر جهان عرب و فراگیر شدن جنبش‌های مردمی علیه رژیم حاکم بحرین را در چهار مورد زیر تجزیه و تحلیل خواهیم کرد:

۵-۱- ماهیت رژیم سیاسی بحرین زمینه ساز اعتراضات مردمی و شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت

جنبش‌های اجتماعی پاسخی به نیازهای عمومی جامعه محسوب می‌شود. کشورهای خاورمیانه‌ی عربی از سال‌های میانی دهه‌ی ۱۹۸۰ در شرایط اقتدارگرایی سیاسی قرار داشته‌اند. از این دوران، اعتراض‌های مبهم و جنبش‌های اجتماعی ناپایدار، در فضای سیاسی کشورهای منطقه شکل گرفت (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۲۰). انقلاب‌های اخیر ملت‌های خاورمیانه را باید به مثابه انفجار مشارکت سیاسی در شرایط فقدان نهادهای کارآمد اجتماعی و سیاسی برای جلب مشارکت‌ها تحت لوای حکومت‌های اقتدارگرایی عربی تعریف و ترسیم نمود (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

نگاهی به گذشته سیاسی بحرین نشان می‌دهد که شرایط و ساختار سیاسی و روابط خاص دولت و جامعه در بحرین و به ویژه رویکرد سیاسی خاندان آل خلیفه، زمینه ساز هرگونه تحول و اعتراضات مردمی در این کشور است (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۹). ماهیت رژیم سیاسی بحرین، پادشاهی مشروطه است. مطابق با قانون اساسی این کشور، ظاهراً قوای سه گانه مستقل هستند و مجاز به اعمال نفوذ در وظایف و اختیارات یکدیگر نیستند؛ اما در عمل تمامی سه قوه، زیر نظر مستقیم امیر بحرین قرار دارد که همراه با ولیعهد و نخست وزیر بر کشور حکمرانی می‌کنند. طبق قانون اساسی بحرین، امیر بحرین حاکم و رئیس کشور است و بزرگ‌ترین فرزند ذکور وی، نسل به نسل از سوی امیر وقت، به عنوان جانشین تعیین می‌شود (میررضوی و احمدی، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۳۲). بی‌شک یکی از اهداف مهم خیزش‌های اخیر خاورمیانه، اصلاح ساختار سیاسی به منظور افزایش مشارکت مدنی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور است (Pillar, 2011: 19). شیعیان بحرین نیز بدنبال تغییر ماهیت اقتدارگرای رژیم حاکم می‌باشند که این مسئله، زبان حال طبقات تحت سلطه را منعکس می‌نماید و می‌توان این واکنش و اعتراضات مردمی را همان ژئوپلیتیک مقاومت مردم بحرین تعریف نمود.

۵-۲- احساس تبعیض و بی عدالتی زمینه ساز نارضایتی و شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان

در سال‌های اخیر، خودآگاهی اکثریت شیعه در بحرین و تلاش آنها برای دستیابی به مسئولیت‌های اجرایی و پارلمانی در جریان رقابت‌های مختلف، بحرین را به یکی از کانون‌های پویای شیعه تبدیل کرده است که نمایش نمادهای شیعی در آن روز به روز افزایش می‌یابد (احمدی، ۱۳۹۰: ۹۱-۹۰). احساس تبعیض، بی عدالتی و محرومیت اکثریت شیعی بحرین، به عدم مشارکت واقعی در قدرت سیاسی از طریق انتخابات محدود نمی‌شود، بلکه این گروه در عرصه‌های مختلف اداری، اجرایی، اقتصادی و اجتماعی نیز با سیاست‌های تبعیض آمیز آل خلیفه مواجه‌اند و این امر تداوم نارضایتی و اعتراضات شیعیان بحرین را در پی داشته است. براساس گزارش سال ۲۰۰۳ مرکز حقوق بشر بحرین، از ۵۷۲ منصب عمومی و عالی، تنها ۱۰۱ منصب یعنی ۱۸ درصد و از ۴۷ منصب عالی در حد وزیر و مدیر کل، فقط ۱۰ منصب (۲۱ درصد) به شیعیان تعلق دارد. شیعیان در این نظام به هیچ وجه نمی‌توانند عهده دار مناصب عالی حکومتی مانند وزارت دفاع، خارجه، دادگستری و کشور شوند. در مجموع همان گونه که بررسی‌ها و موارد فوق نشان می‌دهد، شکاف دولت و جامعه در بحرین در طول دهه‌های گذشته با توجه به سیاست‌های تبعیض آمیز خاندان آل خلیفه بسیار تشدید شده و برخی اصلاحات ظاهری نتوانسته است به تعدیل چالش مشروعیت رژیم سیاسی بحرین منجر شود. در نتیجه با وقوع قیام‌ها و اعتراضات مردمی ضد حکومتی در کشورهایی مانند تونس و مصر، مردم شیعی بحرین نیز مرحله جدید و وسیعی از اعتراضات خود علیه خاندان آل خلیفه را آغاز کردند (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). پس یکی از مهمترین انگیزه‌ها و هدف‌های نهضت اسلامی در بحرین را باید به حاکمیت خاندان آل خلیفه ارجاع داد (اقارب‌پرست، ۱۳۹۱: ۷۵) که موجب ایجاد تبعیض و بی‌عدالتی در میان مردم بحرین شده است و تا زمانی که تبعیضات مذهبی ادامه داشته باشد و شیعیان را از داشتن حقوق مساوی در بحرین باز دارد جنبش‌ها و اعتراضات مردمی فروکش نخواهد کرد و همچنان ادامه خواهد داشت.

۵-۳- شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان بحرین و گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیک شیعه

یکی از تمایزات ژئوپلیتیکی ایران، ناشی از مذهب تشیع می‌باشد (زین العابدین، ۱۳۸۶: ۴۶) بطوریکه پراکندگی جغرافیایی شیعیان جهان به‌گونه‌ای است که ایران را در کانون قلمروهای شیعه نشین قرار می‌دهد و همین امر حساسیت این کشور را نسبت به سرنوشت جوامع شیعی اطراف توجیه می‌نماید (احمدی، ۱۳۸۹: ۶۶). گسترش حوزه نفوذ ایران بر مبنای متغیر مذهب، از سوی دیگر کشورها واکنش‌هایی را برانگیخته و اقداماتی را سبب شده است (احمدی و حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۸۸). در بحرین جنبش آزادی‌بخش این کشور که تحت تأثیر انقلاب اسلامی تأسیس شد و فعالیت‌های خود را گسترش داد، بیشتر از همه بر شکل‌گیری پارلمان انتخابی تأکید می‌کند. در واقع، تشکیل پارلمان و تدوین قانون اساسی عادلانه که در آن حقوق اکثریت جمعیت شیعه به رسمیت شناخته شود، به یکی از آرمان‌های اساسی این کشور تبدیل شده است (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۲۷۸). همچنین بررسی شعارهای انقلابیون در بحرین (۲۰۱۱) نشان از وجه غالب اسلامی بودن آنها تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران را دارد (عباسی اشلقی، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

با پیگیری و ادامه اعتراضات شیعیان بحرین و فراگیر شدن آن به خارج از مرزهای این کشور، خصوصاً عربستان سعودی و بیداری جنبش‌های شیعی در این منطقه، باعث گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیک شیعه و در نتیجه نقش آفرینی هر چه بیشتر شیعیان در امور سیاسی کشورهای شیعه نشین با الهام از ژئوپلیتیک مقاومت می‌شود.

۵-۴- رقابت قدرت‌های منطقه‌ای پیامد شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان در بحرین

قریب به هزاران سال، جغرافیای خاورمیانه عامل عمده‌ای در تعیین حضور نظامی و اقتصادی در منطقه و دستیابی به منابع آن بوده است (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۳۵۳). دامنه تغییراتی که در نظامی سیاسی برخی کشورهای عربی اتفاق افتاده یا در آستانه وقوع است، به داخل مرزهای سیاسی این کشورها محدود نشده و جایگاه و نفوذ سایر کشورهای منطقه نیز از این تغییرات متأثر خواهد بود (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۷۸). رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای کاهش وزن رقیبان و تأثیرگذاری‌شان در فرایند دولت‌سازی کشورهای عربی، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی خاورمیانه است (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۷۸).

در سال‌های اخیر نگرانی‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران موجب سردتر شدن روابط دو کشور نسبت به گذشته شده و روابط دیپلماتیک و ارتباطات میان دو کشور ضعیف‌تر گردیده است. عربستان برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه اقدامات زیادی انجام داده است و تلاش می‌کند با حل و فصل مشکلات و بحران‌های موجود منطقه جایگاه خود را نسبت به ایران بهبود ببخشد و در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه ایران از قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران بکاهد (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۳۳۴). سیاست خارجی ایران و عربستان مبتنی بر اهداف کلانی است که حیطة و نحوه‌ی کنش دو کشور در منطقه و خارج از آن را تعیین و تبیین می‌کند (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲). تعارضات شدید بین ایران و عربستان را می‌بایست تا اندازه‌ای ناشی از سیاست‌های اعمال شده قدرت‌های بزرگ بویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه دانست. همچنین

نفوذ سیاسی - عقیدتی و ایدئولوژیک ایران در کشورهای بحرین، عربستان، عراق و کویت پس از انقلاب اسلامی گویای این واقعیت است (حافظنیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۷۱).

نوپایی کشور بحرین، زمینه نداشتن بلوغ سیاسی و نوعی وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های آن کشور فراهم آورده است؛ به همین دلیل، موج‌های کوتاه بحران‌زا باعث تنش و ناپایداری درونی آن می‌شود (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۱۹۵). بحرین به تخته شطرنج رقابت استراتژیک بین ایران و عربستان تبدیل شده است (روحی دهبه، ۱۳۹۱: ۹۹). عربستان سعودی با احداث جاده‌ای از سرزمین سعودی به بحرین که در مواقع آشفتگی، ورود نیروهای نظامی به بحرین را بسیار آسان می‌کند، بحرین را در مسیر وابسته شدن به عربستان سعودی قرار داده است. عربستان سعودی علاقه ندارد از بی‌نظمی‌هایی که اکثریت شیعه در این کشور ایجاد می‌کنند حمایت کنند، بخصوص به این دلیل که امکان گسترش و تسری آن به مناطق شیعه نشین خود در عربستان سعودی در استان شرقی این کشور نیز وجود دارد (فولر، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۴). بطوری که در پی بروز اعتراضات مردمی در بحرین عربستان سعودی با همکاری نیروهای امارات متحده عربی، نیروی نظامی خود را برای سرکوب معترضان راهی این کشور کردند.

از طرف دیگر ایران نیز همانند هر کشور دیگری، نمی‌تواند از آنچه در اطرافش می‌گذرد، غافل بماند. تلاش در راه هماهنگ شدن با دگرگونی‌های جهانی و شکل دادن این دگرگونی‌ها بر اساس خواست‌ها و منافع ملی، باید انگیزه‌ی پر اهمیتی در جهان‌گرایی ژئوپلیتیک ایران باشد و برای دست یافتن به این موقعیت، حضور در قلب تحولات ضروری می‌باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۳۶۵). کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران به صدور دو بیانیه در حمایت از قیام مردم بحرین و لزوم خروج نیروهای نظامی عربستان سعودی از این کشور پرداخته است (حاجی یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). با وجود دخالت مستقیم کشورهای عربی در بحرین، شورای همکاری خلیج فارس، ایران را به دخالت در امور منطقه و نقض قوانین بین‌المللی و اصول حسن همجواری متهم می‌کند (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). واکنش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در قبال قیام مردم بحرین واکنشی تهاجمی و فعالانه بود و با توجه به افزایش نفوذ و تسلط عربستان سعودی در شورای همکاری خلیج فارس در مقطع کنونی، همگرایی و هماهنگی بین اعضا به ویژه در مورد تحولات بحرین افزایش یافته است. بر این اساس با آغاز اعتراضات مردمی در بحرین، این شورا حمایت قاطعانه خود را از رژیم آل خلیفه اعلام کرد و مقامات کشورهای عضو بخصوص سعودی‌ها، بحرین را به عنوان خط قرمزی برای گسترش قیام‌های مردمی بیان کردند که در صورت لزوم وارد عمل خواهند شد (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۶). از دید دول عرب کشورهای حاشیه خلیج فارس تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل گرفته و از منظر آنها یک هلال شیعی از لبنان تا پاکستان ایجاد شده که می‌تواند تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۸). از نگاه آنان ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به کار گیرد (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۷). اتحاد نزدیکتر بین کشورهای خلیج فارس بخشی از استراتژی گسترده برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه است و اخیراً تلاش این کشورها برای ایجاد یکپارچگی اقتصادی، سیاسی و نظامی

و الحاق بحرین به عربستان همگی در راستای مقابله با نفوذ ایران در منطقه می‌باشد (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۹). در حقیقت تنش‌های اخیر بین کشورهای عربی و ایران ناشی از متهم کردن ایران به حمایت از مخالفان شیعه در بحرین برای سرنگونی حکومت تحت سلطه اهل سنت این کشور و همچنین اعتراض ایران به دخالت نظامی عربستان در بحرین برای سرکوب معترضان شیعه می‌باشد (Roberts, 2011: 5). در این راه سناریوهای مختلفی برای منزوی کردن ایران طراحی شده است تا از نقش آفرینی ایران در تحولات ایجاد شده در بحرین بکاهند. رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای در بحرین پیامد خودآگاهی شیعیان این کشور می‌باشد که مردم را به پافشاری برای رسیدن به خواست و حقوق فردی و اجتماعی خود واداشته است.

۶- نتیجه‌گیری

تعارض بین نیروهای حکومتی و مردمی عامل محرک سیاست‌های داخلی، کشورهای منطقه خلیج فارس را تشکیل می‌دهد و حتی می‌تواند سیاست‌های قدرت‌های بزرگ را در این ارتباط تحت تأثیر قرار دهد. برآیندی از فرایند برخورد میان نیروهای تغییر و به عبارت دیگر جهانی‌شده با نیروهای سنتی می‌تواند بر تحولات کشورهای منطقه اثرگذار باشد. این پدیده به اضافه جوامع قطبی شده و طبقاتی که در خاندان‌های حاکم کلیه امتیازات کشور را به خود اختصاص داده‌اند، جمعیت رو به رشد، بیکاری به ویژه در میان جوانان تحصیل کرده، مسأله زنان که از حقوق سیاسی و اجتماعی خود منع شده‌اند و مهاجران بیگانه همراه با نیروهای سلطه‌گر خارجی می‌توانند، قدرت عقیدتی و ساختار محافظه کارانه و سنتی کشورهای خلیج فارس را تضعیف و دچار دگرگونی سازند (امامی، ۱۳۸۹: ۲۵۸). لذا رژیم اقتدارگرایی بحرین و احساس تبعیض و بی‌عدالتی شیعیان را می‌توان از مهمترین دلایل شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان بحرین با توجه به یافته‌های تحقیق برشمرد که پیامدهای ژئوپلیتیکی آن گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیک شیعه در منطقه خلیج فارس و بروز رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شده است. ژئوپلیتیک مقاومت در بحرین، اگر چه در شرایط زمانی متعددی شکل گرفته است و جنبش‌های مردمی بر علیه حاکمان بحرین و حتی استعمارگران، تاریخچه نسبتاً طولانی دارد؛ اما کم و بیش دارای اهداف و خواست‌های یکسانی بوده‌اند. بویژه می‌توان اهداف ژئوپلیتیک مقاومت شیعیان در بحرین، بدنبال تحولات صورت گرفته در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا را در سه بُعد زیر تشریح کرد:

الف) اهداف و خواست‌های سیاسی - اجتماعی: اصلاحات سیاسی، عمل به قانون اساسی و احیای مجلس انتخاباتی، آزادی سیاسی و ایجاد فضای باز سیاسی، آزادی بیان و صدور اجازه انتشار روزنامه و مجلات گوناگون، مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، آزادی زندانیان و بازداشت‌شدگان سیاسی، پایان دادن به نقض حقوق بشر و امضای عهدنامه‌ها و پیمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، الغای قوانین و نهادهایی که از طریقی غیر از قانون اساسی و مجلس ملی به وجود آمده‌اند، جلوگیری از سرکوب مردم، مذاکره و گفتگو با معترضان، رفع تبعیضات مذهبی؛

ب) اهداف و خواست‌های اقتصادی: ایجاد اصلاحات اقتصادی، حل مشکلات بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی، حمایت از آسیب دیدگان ناآرامی‌ها، استخدام شیعیان در نهادها و سازمان‌های دولتی مانند وزارت خارجه و دفاع؛
ج) اهداف و خواست‌های نظامی: خروج نیروهای نظامی کشورهای اعضای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی، استقلال و عدم وابستگی سیاسی - نظامی بحرین به دیگر کشورهای منطقه، پایان سرکوب نظامی شیعیان.

منابع

- ۱- آدمی، علی (۱۳۹۱)، بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
- ۲- آدمی، علی؛ حبیبی، سیدمهدی؛ بخشی تلپایی، رامین (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- ۳- آقایی، سید داود و احمدیان، حسین (۱۳۸۹)، روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش‌های بنیادین و امکانات پیش رو، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳.
- ۴- احمدی، سیدعباس (۱۳۸۹)، نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ مطالعه موردی: تشیع و ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول.
- ۵- احمدی، سید عباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، انتشارات مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران.
- ۶- احمدی، سیدعباس و حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان، فصلنامه شیعه شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰.
- ۷- احمدی، سید عباس؛ واثق، محمود؛ جاسم نژاد، مسعود (۱۳۹۱)، ژئوپلیتیک شیعه و ارتقای جایگاه ایران در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی، پژوهش جغرافیای انسانی، شماره ۸۰.
- ۸- اخباری، محمد و نامی، محمدحسن (۱۳۸۸)، جغرافیای مرز با تاکید بر مرزهای ایران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- ۹- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰)، رفتارشناسی بازیگران تحولات بحرین، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۲۹-۱.
- ۱۰- اقارب پرست، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، ویراستار علمی: دکتر اصغر افتخاری، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران.
- ۱۱- امامی، محمدعلی (۱۳۸۹)، عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، چاپ چهارم، انتشارات وزارت امورخارجه، تهران.
- ۱۲- امرایی، حمزه (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- ۱۳- برژینسکی، زبیبگنیو (۱۳۸۶)، انتخاب: سلطه یا رهبری، ترجمه امیر حسین نوروزی، نشر نی، تهران.

- ۱۴- بهرامی، قدرت الله و خدادادی، محمد اسماعیل (۱۳۸۹). **جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران**، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، قم.
- ۱۵- پوراحمدی، حسین و جمالی، جمال (۱۳۸۸)، **طرح هلال شیعی: اهداف، موانع و پیامدها**، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۲۶.
- ۱۶- جردن، تری ج و لاونتری، لستر (۱۳۸۰)، **مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی**، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات، تهران.
- ۱۷- جمالی، جمال (۱۳۸۶)، **هلال شیعی و هژمونی آمریکا**، فصلنامه شیعه شناسی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- ۱۸- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۱)، **ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشتها و اقدامات**، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ۱۹- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی ایران**، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۰- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، انتشارات پایلی، مشهد.
- ۲۱- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، **خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز**، چاپ پنجم، سمت، تهران.
- ۲۲- حافظ نیا، محمدرضا و رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴)، **تحول روابط ایران و عربستان سعودی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷.
- ۲۳- حافظ نیا، محمدرضا و احمدی، سیدعباس (۱۳۸۸)، **تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان**، فصلنامه شیعه شناسی، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۲۴- حسین زاده راد، کاوه (۱۳۸۸)، **آیا مقاومت در برابر قدرت امکان پذیر است؟**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره هشتم، دانشگاه آزاد واحد کرج.
- ۲۵- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و فرازی، مهدی (۱۳۹۱)، **بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ۲۶- روتلج، پاول و دیگران (۱۳۸۷)، **اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم**، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- ۲۷- روحی دهبته، مجید (۱۳۹۱)، **تبیینی سازه انگارانه از علل واگرایی ایران و شورای همکاری خلیج فارس**، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره اول.
- ۲۸- زین العابدین، یوسف (۱۳۸۶)، **منافع ملی ایران و ژئوپلیتیک نوین تشیع**، فصلنامه شیعه شناسی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ۲۹- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶)، **ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس - با تاکید بر شیعیان**، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- ۳۰- سلیمانی، رضا (۱۳۹۱)، **رویکرد تنوریک به سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در خاورمیانه**، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- ۳۱- سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، **ژئوپلیتیک و مذهب در نظام بین الملل؛ راهبردها و تحولات**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۳ و ۴.

- ۳۲- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶.
- ۳۳- صالحی، حمید (۱۳۹۰)، مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱.
- ۳۴- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱)، بازتاب‌های معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۲.
- ۳۵- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک شیعه و امنیت مرزهای ایران، جلد اول، انتشارات البرز فر دانش، تهران.
- ۳۶- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۹)، جغرافیای استراتژیک ایران، جلد دوم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- ۳۷- فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، مؤسسه شیعه‌شناسی، قم.
- ۳۸- فوکو، میشل (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات مطالعات فرهنگی، به کوشش سایمون دورینگ، ترجمه نیما ملک محمدی و شهریار وقفی پور، نشر تلخون، تهران.
- ۳۹- فولر، گراهام‌ای و فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴)، شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، شیعه‌شناسی، قم.
- ۴۰- فولر، گراهام (۱۳۸۹)، قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، چاپ چهارم، نشر مرکز، تهران.
- ۴۱- قربانی شیخ نشین، ارسلان و کارآزما، جواد (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران: فرصت‌ها و تهدیدها، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ۴۲- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سید مهدی حسینی متین، جلد دوم، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۴۳- کوشکی، محمد صادق و ناظم پور، مریم (۱۳۸۹)، بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.
- ۴۴- متقی، ابراهیم و رشاد، افسانه (۱۳۹۰)، نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳.
- ۴۵- متقی زاده، زینب (۱۳۸۴)، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، مؤسسه شیعه‌شناسی، قم.
- ۴۶- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- ۴۷- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه و تنظیم: حمیدرضا ملک محمدی نوری، چاپ هفتم، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- ۴۸- میررضوی، فیروزه و احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۳)، راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس، ابرار معاصر، تهران.
- ۴۹- نادری نسب، پرویز (۱۳۸۹)، چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱.
- ۵۰- نیچه، فردریش (۱۳۷۷)، اراده قدرت، ترجمه محمد شریف، انتشارات جامی، تهران.

۵۱- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴)، *اختلافات ایران و انگلستان در مسائل خلیج فارس (دوره پهلوی اول)*، پیک نور- علوم انسانی، سال سوم، شماره اول.

۵۲- وثوقی، محمد باقر و کالیراد، علی، (۱۳۸۸)، *مسئله بحرین در منازعات قدرت‌های منطقه ای خلیج فارس در قرن دهم هجری/شانزدهم میلادی*، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، شماره ۴.

۵۳- ولی پور زرومی، سید حسین(۱۳۸۳)، *گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

54- Allmendinger, Philip (2001), *Planning in Postmodern times*, New York: Routledge.

55-Central Informatics Organization-Kingdom of Bahrain, 2010, *Census Results 2010 bahrain*, , <http://www.census2010.gov.bh>, Accessed at:2013/1/12.

56- Pillar, Paul R (2011), *Alarmism on Islamism*, the National Interest, Accessed at Des,4. <http://nationalinterest.org/blog/paul-pillar/alarmism-islamism-6217>

57- Roberts, David (2011), *Blame Iran: a Dangerous Response to the Bahraini Uprising*, The Guardian (August 20).

58- Hill, Ginny & Gerd Nonnman, Yemen (2011), *Saudi Arabia and the Gulf States: Elite Politics, Street Protests and Regional Diplomacy*, Middle East and North Africa Programmed/ MENAP BP (2011/01).

59- <http://www.infoplease.com>, Accessed at: 2012/1/22.

60- <http://www.sedayeshia.com>, Accessed at:1389/12/17.

